روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir
تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۹ اذان مغرب ۲۰:۱۶ اذان صبح فردا ۴:۴۹ طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنامه شرق

شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۰ • ۱۲رمضان ۱۴۳۲ • ۱۳آگوست ۲۰۱۱ • سال هشتم • شماره پیاپی ۱۳۱۸ • شماره ۳۹۴ دوره جدید • ۱۲صفحه+۳۲صفحه ضمیمه

دعای روز دوازدهم ماه مبارک رمضان

اَللّهُمَّ زَیِّنّی فیهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفافِ وَاسْتُرْنی فیهِ بِلِباسِ الْقُنُوعِ وَالْکِفافِ وَاحْمِلْنی فیهِ عَلَی الْعَدْلِ وَالْاِنْصافِ وَ اَمِنّی فیهِ مِنْ کُلِّ ما اَخافُ بِعِصْمَتِکَ یا عِصْمَةَ الْخائِفینَ

خدایا در این ماه مرا به زیور پوشش از گناه و پاکدامنی بیارای و جامه قناعت و اکتفای به مقدار حاجت را به برم کن و وادارم کن در این روز به عدالت و انصاف و ایمنیم بخش در آن از هر چه که از آن می ترسم به نگهداری خودت ای نگهدارنده ترسناکان

فرهنگ زمان ما

دوربین در میان ماست

روبرت صافاریان

■ اکنون چندین سال است که فیلم‌های مستندی که بر حضور یک یا چند شخصیت استوار هستند در جذب تماشاگر موفق عمل می‌کنند و این توفیق تا حدودی زیادی مدیون حضور جذاب شخصیت‌های فیلم است. یکی از این فیلم‌ها که اخیرا نظر موافق و مخالف زیادی را به خود جلب کرده فیلم پیرپسر (ساخته مهدی باقری) است که در آن بستگان فیلمساز جلو دوربین ظاهر می‌شوند و به زبانی تاثیرگذار درباره او حرف می‌زنند. در فیلم تاکسی- تهران (ساخته بهمن کیارستمی) از ابتدا تا انتها راننده تاکسی- بازیگری را همراهی می‌کنیم و به حرف‌هایش گوش می‌کنیم و شاهد روابطش با دیگران هستیم. یکی، دو سال پیش نیز فیلم «جای خالی آقا یا خانم ب» (ساخته فیما امامی و رضا دریانوش) گل کرد که در آن زن و شوهری روستایی که با مشکل نازایی زن روبه‌رو هستند و مدام در رفت‌وآمد به شهر و بیمارستان برای دوا و درمان، راحت جلو دوربین ظاهر می‌شوند و راجع به مشکلات و احساسات‌شان حرف می‌زنند. این امر ، پدیده فرهنگی جدیدی است. راحتی حضور آدم‌ها جلو دوربین معلول رواج دوربین‌های کوچک و تصویربرداری از همه مراسم خانوادگی اعم از عروسی و جشن تولد و خاکسپاری و غیره است. همین‌طور معلول افزایش کانال‌های تلویزیونی و به تبع آن گزارش‌هایی که در آن دوربین و میکروفون به دست از مردم عادی نظرخواهی می‌کنند و مانند هر پدیده تازه‌ای، درک آن و ارزیابی و کم و کیفش زمان می‌طلبد. در اینجا تنها دو نکته درباره برخی ارزیابی‌های شتابزده لازم به ذکر است : یک: در یک تلقی رایج، این پدیده تحول مثبتی است در باز شدن روحیه بسته ایرانی. آدم‌ها راحت‌تر درباره مسایل خود حرف می‌زنند و مشکلات شخصی خود را با عموم در میان می‌گذارند و گفته می‌شود این امر مثبتی است. با پنهان کاری و نهان‌روشی و روحیه محافظه‌کار ما ایرانی‌ها در تضاد است. از این فیلم‌ها و آدم‌ها به عنوان فیلم‌های جسور و فیلمسازان با شهامت صحبت می‌شود، به‌خصوص اگر خود فیلمساز موضوع فیلم باشد. در این تلقی چند فرض وجود دارد که دست‌کم قابل‌مناقشه هستند. یکی اینکه باز بودن و صحبت کردن راجع به مسایل خصوصی در فضای عمومی لزوما امر مثبتی است و قابل تحسین. دیگر اینکه بسته بودن آدم‌ها مخصوص جوامع شرقی است. شخصا معتقدم انسان ذاتا شرمی دارد که همه چیز درون خود را جلو عموم باز نمی‌کند. همان‌طور که فیزیکی جلو همه برهنه نمی‌شود، از عریان شدن معنوی هم ابا دارد. میزان این امر در جوامع مختلف متفاوت است؛ اما اصل آن همه جا هست و یک امر انسانی است. دیگر اینکه تشخیص میزان باز کردن درونیات جلو عموم، یک نوع مهارت اجتماعی و رفتاری است. ما هر یک در محیط‌های گوناگون و در شرایط مختلف به اندازه‌ای خود را باز می‌کنیم که به نفعمان است. کسی نمی‌خواهد جلو دوربین سفره دل خود را باز کند؛ ابدا به این معنا نیست که آدم محافظه‌کارتری است (شاید عاقل‌تر باشد) و آنکه جلو دوربین سفره دلش را می‌گشاید (یا نه نظر می‌رسد که این کار را می‌کند.) لزوما صادق‌تر و جسورتر نیست. و این ما را می‌رساند به نکته دوم. دو: پرسش این است که آیا آنکه جلو دوربین بهتر ظاهر می‌شود، حضوری بی‌ریاتر و خالصانه‌تر دارد یا بهتر بازی می‌کند. اصلا مرز بازی و حضور، مرز نقش بازی کردن و خود بودن، کجاست؟ در فیلم جای خالی آقا یا خانم ب صحنه‌ای هست در بیمارستان که قرار است نتیجه آزمایش نازایی زن در آن اعلام شود. زن سخت هیجان‌زده است و بعد از اعلام نتیجه آزمایش به شدت شاد و از خود بی‌خود می‌شود. برای من این پرسش مطرح شد که تاثیر حضور دوربین بر این زن چه بوده است. آیا او برای ما بینندگان آینده فیلم بازی نمی‌کند؟ آدم‌های با هوش به تدریج متوجه روایت فیلمساز می‌شوند. می‌فهمند، فیلمساز چه داستانی را تعریف می‌کند و نقش خودشان در آن داستان چیست و همان را تحویل او می‌دهند. آنچه قرار است حضور بی‌ریاتر و خودبیانگرتر و ساده‌تری باشد به بازی و توافق خاموشی بین فیلمساز و موضوع بدل می‌شود برای روایت موثر یک داستان و تاثیرگذاری بیشتر روی تماشاگر. شکل تکامل‌یافته‌تر این پدیده همان است که به داکودراما مشهور شده و خوراک تلویزیون‌های غربی است.

خبر آخر

محمدعلی سپانلو بستری شد

■ شرق: محمدعلی سپانلو، شاعر معاصر که چندی است تحت شیمی‌درمانی قرار دارد بعدازظهر روز گذشته با تشخیص پزشک معالجش در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد. به گفته یکی از نزدیکان سپانلو، این شاعر برای تکمیل مراحل شیمی‌درمانی و همچنین ارزیابی امکان ادامه معالجات دو، سه روز آینده را تحت نظر خواهد بود. گفتنی است طبق خواسته پزشک معالج «شاعر تهران» و به منظور حفظ آرامش ایشان، نام بیمارستان محل بستری اعلام نخواهد شد.

کافه نظر

چرا پرسپولیس به گل نشست

پرسپولیس به عنوان یکی از دو قطب اصلی تیم فوتبال ایران، روزهای خوبی را سپری نمی‌کند. سه بازی از آغاز فصل جدید لیگ برتر فوتبال ایران گذشته که این تیم تنها با یک امتیاز در رده هفدهم جدول ۱۸ تیمی لیگ برتر است. بنا بر آنچه از سکوهای ورزشگاه آزادی در بازی پرسپولیس-شهرداری تبریز شنیده شد، از خیل ۷۰ هزار تماشاگر، عده‌ای استیلی را نکوهش کردند، برخی بازیکنان را نسبت به پیراهن پرسپولیس بی‌غیرت خواندند و عده‌ای دیگر هم مدیریت باشگاه را به چالش کشیدند. نظر شما چیست؟ چه عاملی یا عواملی باعث افت و به گل نشستن پرسپولیس شده است؟

مرتضی احمدی ◄ هنرمند پیشکسوت و طرفدار قدیمی پرسپولیس

پرسپولیس تیم بزرگی است و مربی بزرگ و مدیر بزرگ می‌خواهد. من حمید استیلی را از نزدیک می‌شناسم و دوستش دارم اما عقیده دارم به درد تیم پرسپولیس نمی‌خورد، همانطور که آقای کاشانی هم به درد اداره کردن پرسپولیس نمی‌خورد.
شما ببینید علی دایی می‌آید و تیم را قهرمان می‌کند، بعد در ازای تشکر او را برکنار می‌کنند، آخر در کجای دنیا سرمربی تیم قهرمان را کنار می‌گذارند، فقط ایران است همانطور که با قلعه‌نویی هم همین کار را کردند. پرسپولیس کنونی از لحاظ بازیکن کم و کسر ندارد، اما مشکلی که دارد این است که بازیکن‌ها اُرد استیلی را نمی‌خوانند، واقعا استیلی به رضایی و نوری و کریمی چه چیزی می‌خواهد یاد بدهد؟ من ریشه همه اینها را از مدیریت می‌بینم.

سعید راد ◄ بازیگر سینما

به عنوان یک طرفدار پرسپولیس معتقدم این تیم دچار یک سردرگمی در شیوه بازی خود شده است. این روزها گل زدن با تاکتیک مینیاتوری دیگر جواب نمی‌دهد چرا که نیمی از فوتبال دنیا را تاکتیک شوت از راه دور تشکیل داده است. در حالی که می‌بینیم در این چند بازی پرسپولیس با شیوه‌ای که در دستور کار قرار داده نتیجه قابل قبولی نگرفته است، پس این شیوه مینیاتوری باید عوض شود چرا که توسط تیم‌های مقابل، شناخته شده است. از سوی دیگر متاسفانه آن شور و علاقه به پیراهن این تیم که پیش از این وجود داشت در میان اکثر بازیکنان امروز این تیم دیده نمی‌شود. حمید استیلی مربی باهوش و خوبی است .ما باید این توانایی را داشته باشیم که از تیم حمایت کنیم چرا که چنین بحران‌هایی در تیم‌های بزرگ دنیا شایع است و حتی ممکن است تا چند فصل ادامه داشته باشد.

امیر حاج‌رضایی ◄ کارشناس فوتبال

وقتی یک تیم شکست می‌خورد ابتدا دلایل باخت را بررسی و سپس نمایش تیم حریف را مرور می‌کنند. با بازی‌ای که پنجشنبه‌شب تیم پرسپولیس برابر شهرداری تبریز انجام داد باید بگویم که نتیجه بازی کاملا درست و عادلانه بود. من معتقدم قرمزپوشان یا برنامه ندارند یا قادر به اجرای برنامه‌های تاکتیکی خود نیستند. اما آنچه در این میان اهمیت دارد و باید به آن توجه کرد این است که در برد و باخت یک تیم ،یک گروه نقش دارند. عدم ثبات مدیریتی، یکی از مشکلات بزرگ باشگاه قرمزپوشان پایتخت است و امروزه اهمیت تیم‌های بیرونی مهم‌تر از تیم داخل زمین است. با این حساب مستقیم به طرف نیمکت رفتن بسیار بی‌انصافی و از روی ناآگاهی است. تاوقتی در فوتبال ایران شفافیت وجود ندارد، اوضاع به همین گونه خواهد بود. مشکل فوتبال استیلی و استیلی‌ها نیستند و تاختن به یک مربی به این شیوه اصلا اخلاقی نیست.

تغییر

آمار معنادار

سعید مدنی
جامعه‌شناس و پژوهشگر

رییس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا خبر از دستگیری بیش از ۹۹هزار خرده‌فروش و توزیع‌کننده موادمخدر از اول سال جاری خبر داد. اگر فرض کنیم که تا پایان سال همین تعداد خرده‌فروش دیگر دستگیر شوند، معنای آن این است که در سال جاری نیروی انتظامی موفق به دستگیری حدود ۲۰۰هزار خرده‌فروش خواهد شد. تخمین زده می‌شود که ماموران تنها قادرند ۱۰درصد مجرمان را بازداشت کنند و این به معنای آن است که در کشور حدود دومیلیون خرده‌فروش مواد فعالیت دارند. اتفاقا با توجه به کمترین اثر بازداشت خرده‌فروشان بر قیمت مواد در بازار شاید تعداد بازداشت‌شدگان از ۱۰درصد کل عرضه‌کنندگان مواد کمتر هم باشد. در هر حال با احتساب آنکه هر خرده‌فروش تنها ۱۰ مشتری داشته باشد، می‌توان تعداد متقاضیان مواد کشور را حدود ۲۰میلیون نفر تخمین زد. البته باز هم باید تاکید کرد که خرده‌فروشان اغلب خود نیز مصرف‌کننده هستند و برای تامین مخارج مواد مصرفی‌شان باید تعداد مشتریان‌شان بسیار بیش از ۱۰ نفر باشد. اما همین تخمین آنچنان تکان‌دهنده و هشداردهنده است که هر هموطن علاقه‌مند به آینده ایران را نگران و مضطرب می‌کند. اگرچه همه این مصرف‌کنندگان لزوما معتاد نیستند اما همه آنها در معرض تهدیدهای ناشی از مصرف مواد قرار دارند. به گفته مقام نیروی انتظامی مورد اشاره کشفیات شیشه از اول سال، ۸۴درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است. رییس پلیس مبارزه با موادمخدر همچنین گفت که از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۱۵۱ تن موادمخدر توسط پلیس کشف شده است؛ از این میزان شش تن و ۹۰۰کیلوگرم هروئین، یک تن و ۹۰۰ کیلوگرم مرفین، ۱۲۳تن تریاک، ۱۶ تن حشیش و ۶۶۴کیلوگرم شیشه و بقیه، سایر مخدرها بوده است. همچنین در این مدت ۳۷کارگاه یا آشپزخانه موادمخدر شیشه توسط پلیس کشف و متلاشی شد. معنای اطلاعات داده‌شده توسط مقام مذکور این است که مواد محرک از جمله شیشه در بازار مواد ، سهم زیادی را اشغال کرده است. به عبارت دیگر ذایقه مصرف‌کنندگان مواد دیگر مثل گذشته تنها متمایل به مصرف تریاک نیست و آنان ترجیح می‌دهند برای کسب لذت بیشتر شیشه مصرف کنند. متاآمفتامین یا شیشه، یک محرک اعتیادآور بسیار قوی با تاثیر شدید روی سیستم عصبی است که به نام‌های کریستال و یخ نیز شهرت دارد و به شکل دانه‌های کریستالی شفاف به صورت پودر به فروش می‌رسد. اثر شدید این ماده در نتیجه ترشح فراوان هورمون دوپامین (یک انتقال‌دهنده عصبی) در مناطقی از مغز که کنترل‌کننده احساس لذت است، صورت می‌گیرد. از آنجا که تحریک مصنوعی مغز به دلیل مصرف این ماده، اعتماد شخص را افزایش می‌دهد، مصرف‌کننده نه تنها به سادگی قادر به ترک آن نخواهد بود، بلکه در صورت ترک هم، لذات زندگی عادی برایش بی‌معنا شده و امکان ابتلا به افسردگی در او افزایش می‌یابد. در ابتدا، تاثیر شیشه با افزایش یافتن توانایی‌های جسمی و فکری همراه است اما برای رسیدن به این «حال ظاهرا خوب» مقدار مصرف یا تعداد دفعات مصرف افزایش یافته و در چنین حالتی شخص مصرف‌کننده، چارزودرنجی، حمله‌های خشمگینانه، شک و تردید عصبی، افکار وهمی و توهمات شنیداری و دیداری می‌شود. مصرف‌کنندگان این ماده، پس از مصرف دچار غلیان شدید و زودگذر احساسات شده و در بعضی موارد با نوعی تجربه و کشف موهوم معنوی مواجه می‌شوند. این اطلاعات به خوبی دلایل مصرف روزافزون شیشه توسط مصرف‌کنندگان جوان را توضیح می‌دهد. اگر فرصت‌های اجتماعی برای شادی، پرکردن اوقات فراغت، حضور بی‌دغدغه، در فضای اجتماعی وجود نداشته باشد، اگر نگرانی از آینده، روح و ذهن جوانان را افسرده و مضطرب کند، مصرف شیشه برای آنها مثل آب است روی آتش. بر این اساس بدون تجدیدنظر اساسی و جدی در سیاست‌های اجتماعی، باید همچنان انتظار پررونق‌تر شدن بازار عرضه و تقاضای مواد و افزایش مصرف مواد محرک را داشت.

عاشق «سنتوری»*

شکوفه فرازمند

یک سال گذشت و من همچنان در ناباوری به سر می‌برم و حتی یادآوری هر روزه خاطرات هم کمکی به قبول اینکه او در کنار من نیست، نمی‌کند؛ چون وقت رفتنش نبود و هنوز کارهای زیادی داشت و ایده‌های بسیاری برای حمایت از جوانان سینما. فرامرز فرازمند که نام او از طریق «سنتوری» به زبان عام افتاد، در چنین روزی، ۲۲مرداد ۱۳۸۹ از میان دوستان و دوستدارانش رفت. به جرات می‌توانم بگویم او عاشق «سنتوری» بود. عاشق «سنتوری» همان‌گونه که عاشق زندگی بود و این عشق تنها دو دلیل داشت: اول اینکه عشق دیوانه‌وارش به موسیقی و جامعه موسیقیدان و باور او به اینکه موسیقی می‌تواند با نفوذ در روح و جان انسان معجزه کند و در رشد فرهنگ جامعه تاثیر بسزا بگذارد. او می‌گفت با «سنتوری» می‌توان پنجره‌ای را گشود؛ پنجره‌ای که از طریق آن می‌شود حس واقعی یک معتاد را درک کرد و زندگی او را از چشمان خود او نگریست تا بلکه بتوان به درستی معتاد را درمان کرد. اگرچه با شکست فیلم آخرش، او از درون و بیرون شکست، اما به وضوح یادم می‌آید که می‌گفت: «سنتوری به عنوان یک پروژه سرانجام خوبی نداشت ولی در نهایت تاثیری که باید را می‌گذارد.» همین باعث شادی و آرامش روح و روانش بود و هست. خوشحالم که او در آخر به آرزوی قلبی‌اش رسید. در این یکسال پر از غم و اندوه برای من و خانواده‌ام، سعادت آشنایی با کسانی را داشتم که شاید پیش از فوت پدر، نامی از آنها نشنیده بودم. بعد از یکسال هنوز در عجبم که چگونه آن به اصطلاح دوستانی که وقتی در قید حیات بود همیشه و همه جا همراه او بودند، اکنون حتی قادر نیستند از او یاد کنند .فرامرزی که همیشه می‌گفت: «دوست ما را و نعمت فردوس شما را». وودی آلن در جایی گفت: «من از مرگ نمی‌ترسم، فقط ترجیح می‌دهم در لحظه‌ای که اتفاق می‌افتد، آنجا نباشم.» چون اگر باشیم تنها خواهیم بود و این تنها مردن بعد از سال‌ها با دیگران زندگی کردن است که می‌ترساند.

*به مناسبت سالمرگ فرامرز فرازمند، تهیه‌کننده

کارتون خواب

هادی حیدری
cartoononline.persianblog.ir

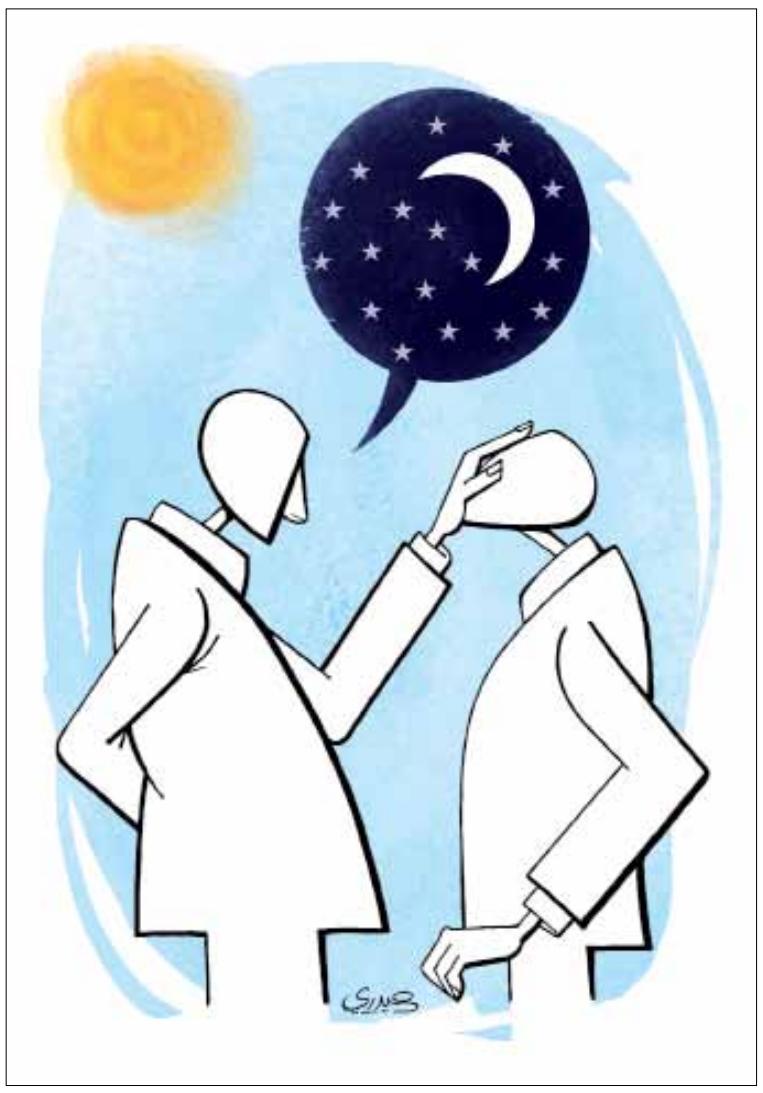

یحیا

نامه‌ای به دریا

آزادی که آبی باشی

پوریا سوری

■ سلام، می‌گویند هزار و یک نام داری! از خزر، مازندران، گیلان و کاسپین گرفته تا فراخ کرت، طبرستان؛ بابالابواب و هیرکانی، پس قبول کن که بدون نام خطابت کنم بهتر است. ۲۱ مرداد روزی است به نام تو، به نام دریا! پس دریای عزیز، از اینکه در قامت یک دریاچه برای یک کشور به کسوت دریا درآمده‌ای از تو ممنونم. می‌دانم که بزرگی ابزار می‌خواهد، آزادی می‌خواهد، عمق و ساحل و موج و توفان و آرامش می‌خواهد. قبول که خیلی از اینها را داری و قبول که برخی را نداری! چون آزادی. نه اینکه آزادی نداری! تو آزادی به ما اهالی حاشیه‌نشین‌ات تا می‌توانی آرامش هدیه کنی و لبخند! اما چه کنی که در حسرتی و در بند، که به دریای آزاد راهی نداری و گرداگردت را ما و دیگران محصور کرده‌ایم. تو آزادی که به هزار و یک نام در بیایی و نهایتا ما همه از هزار و یک نامت تو را با لفظ «شمال» به یاد آوریم.
تو آزادی که کرانه زیبایت را از گوشواره آذربایجان ایران؛ آستارا، تا سینه‌ریز گرگان؛ ترکمن صحرا، که همواره «سبز-آبی» است به ما عرضه کنی و ما جابه‌جا و وجب به وجب اصالتت را قلب کنیم، آزادی به ما بسپاری ساحل شنی‌ات را برای دویدن و خندیدن و قصر شنی ساختن کودکان‌مان، ساحل صخره‌ای‌ات را برای نشستن و به افق چشم دوختن کهنسالان‌مان. و این هر دو را برای قدم زدن در امتداد رویاهای جوانی و عاشقی‌مان. تو آزادی که ماهی‌ها را در دل آبی‌ات پناه دهی، ماهی سیاه‌های کوچک را از رودهای خُرد و برکه‌های دور به خود بخوانی، تا تور ما که پهن شد، سنگین‌تر و رنگین‌تر بیرون بیاید. تو آزادی که در عمق جانت «نفت» پنهان کنی تا ما به ارزش آنچه در سینه داری، ریسک کنیم. آزادی تا آبی باشی که آبی را گل‌آلود کردن در نزد ما خوش‌تر است. آزادی تا باشی که بودن به از نبود شدن، خاصه آنکه ما خواهان آنیم. تو آزادی و این آزادی کم موهبتی نیست.

حوادث

هدایت فیلم تقدیم می‌کند: بزودی...

چهارشنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۳۹۰
۸ شوال ۱۴۳۲
۴ سپتامبر ۲۰۱۱